



رنج مضاعف کودکان آواره سوری در کارگاه‌های ترکیه

برای یک لقمه نان

بیشتر به مدرسه اختصاص داده است. یک مسئول در دفتر رئیس‌جمهور ترکیه می‌گوید غرب باید کمک‌های بیشتری کند؛ زیرا اروپا فقط ۸۵۰ پناه‌جوی سوری را پذیرفته و قول داده است در چارچوب توافق آنها را اسکان دهد. از اینها، ۳۱ سوری به صورت داوطلبانه به ترکیه برگشته‌اند. وی می‌افزاید: «ترکیه برای پناه‌جویان بیش از هر کشور دیگری امنیت دارد. گروه‌های حقوق‌بشری باید از این فرصت و امکانات استفاده کنند و به دولت‌های دیگر نیز بگویند به جای کاستن از تلاش‌هایشان، بهتر است از ترکیه تبعیت کنند.»

کودکان کار

از زمان‌های دور، کودکان بخشی از نیروی کار ترکیه به شمار می‌رفته‌اند. در سال ۲۰۱۲ گفته شد ترکیه قریب به یک میلیون کودک بین شش تا ۱۷ سال مشغول به کار دارد. بسیاری از آنها در بخش صنایع نساجی، کفش و تولید لباس فعالیت می‌کردند. صنایع پوشاک سالانه ۴۰ میلیارد دلار برای اقتصاد ترکیه سود دارد. اتحادیه‌های کارگری می‌گویند بیش از ۵/۲ میلیون نفر در این صنایع کار می‌کنند که نیمی از آنها را کارگران غیرمنظم تشکیل می‌دهند. ترکیه سالانه بیش از ۱۷ میلیارد دلار پوشاک و کفش صادر می‌کند که بیشتر آنها روانه اروپا و به‌ویژه آلمان می‌شود. «لوتِه چورمن»، مسئول روابط عمومی مؤسسه «ویورپر» که در جهت بهبود شرایط کار در ترکیه فعالیت می‌کند، می‌گوید این کشور در سال‌های گذشته سعی کرده است مشکل کودکان کار در صنایع پوشاک را حل کند. به گفته وی و «اما ورود پناه‌جویان سوری مشکل را از نو پیچیده کرده است.»سوری‌ها، به‌ویژه کودکانشان، مزد اندکی می‌گیرند. در شهر «غازی عنتاب» واقع در جنوب و در نزدیکی‌های مرز با سوریه، یک مرد ترک به نام سلیم که ۳۰ سال دارد، می‌گوید معمولاً در هفته ۴۰۰ لیره (۱۵۵ دلار) مزد دریافت می‌کرد. اما با ورود سوری‌ها یک کارگاه خصوصی دایر کرد. سلیم از کودکان کار انتقال پارچه، آوردن چای یا مرتب‌کردن لباس‌ها استفاده می‌کند و به هر کودکی ۵۰ دلار در هفته می‌دهد.

سلیم در کارگاهش نشسته و می‌گوید: «در گذشته بچه‌های ترک اینجا کار می‌کردند. اما الان فقط سوری‌ها هستند که کار می‌کنند. بچه‌های ترک اگر هم کار کنند، برای یادگرفتن یک حرفه است. اما بچه‌های سوری فقط برای به‌دست‌آوردن پول، کار می‌کنند.»سوری‌ها معمولاً در مقابل کار مشابهی که با ترک‌ها انجام می‌دهند، نصف یا یک‌سوم مزد متعارف را می‌گیرند. در این میان، کودکان سوری مجبورند دستمزدی به‌مراتب کمتر داشته باشند. به گفته «هارون اوزترکلر»، از مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، نتیجه این می‌شود که بازوی کار ارزان کودکان سوری نهنتها باری سنگین برای ترکیه نباشد، بلکه به‌منابه یک

<div><div> </div></div>	«در گذشته بچه‌های ترک اینجا کار می‌کردند. اما الان فقط سوری‌ها هستند که کار می‌کنند. بچه‌های ترک اگر هم کار کنند، برای یادگرفتن یک حرفه است. اما بچه‌های سوری فقط برای به‌دست‌آوردن پول، کار می‌کنند.» سوری‌ها معمولاً در مقابل کار مشابهی که با ترک‌ها انجام می‌دهند نصف یا یک سوم مزد متعارف را می‌گیرند	<div><div> </div></div>
---	---	---

نعمت برای آنکارا به حساب آید. این پناه‌جویان با کارشان سود بیشتر به وجود آورده و همین امر منجر به سرمایه‌گذاری‌های بیشتر می‌شود. کلر می‌گوید در عمل نشانه‌هایی وجود دارد که برخی از کارگران ترک به مشاغل با مزد بهتر منتقل می‌شوند. در سال گذشته، اقتصاد ترکیه چهار درصد رشد داشته است.

وقتی یک سوری وارد ترکیه می‌شود، باید در مرکز پلیس محلی ثبت‌نام کند و از کوپن‌های حمایتی موقت بهره‌مند شود تا بتواند باقی بماند. اما خیلی‌ها می‌گویند موفق به ثبت‌نام نشده‌اند؛ زیرا از آنها تقریباً ۱۴ دلار رشوه می‌خواستند و آنها قادر به پرداخت چنین پولی نبودند.

یک مسئول ریاست‌جمهوری ترکیه با رد این خبرها می‌گوید برای ثبت‌نام پناه‌جویان مشکلی وجود ندارد و کسی از آنها مالیاتی نمی‌گیرد. اما شاید به دلیل ازدحام در برخی مناطق، ثبت‌نام آنها به تعویق افتاده باشد. تا سال جاری سوری‌ها این حق را نداشتند که مجوز کار داشته باشند؛ برای هم به صورت غیرقانونی کار می‌کردند. در ژانویه گذشته بود که آنکارا شروع به صدور مجوز کار برای آنها کرد. در استانبول، گروهی از نوجوانان از یک کارگاه بزرگ با آجرهای قرمز خارج می‌شوند. آنها یک جعبه فلزی بزرگ مملو از زیاله را با خود حمل می‌کردند و به سمت یک زیاله‌دان بزرگ می‌پردند. یکی از آنها گفت هنوز ثبت‌نام نکرده است. او می‌گوید هفته‌ای ۸۵ دلار حقوق از یک کار شبانه‌روزی برای تمیزکردن کفش‌ها و گذاشتن آنها در جعبه می‌گیرد. اسم او جمعه است و ۱۷ سال دارد. جمعه می‌گوید: «صاحبکارمان خیلی مهربان است. وقتی تا صبح کار می‌کنیم، می‌آید و ششوی می‌کند و به بعضی از ما ساندویچ می‌دهد. بعضی وقت‌ها هم اگر کاری داشته باشیم و باید به‌سرعت انجام دهیم، می‌آید و سر ما داد می‌کشد.»کوچک‌ترین این بچه‌ها که پشار نام دارد، ۱۴ساله است. پشار اوایل آوریل بود که از حلب به دلیل جنگ فرار کرد. پدر و مادرش او را به مرز رساندند و ۳۰۰ دلار به چاقاچچی‌ها دادند تا او را رد کنند. می‌گوید نگهبانان مرزی ترکیه در راه به طرف آنها شلیک کردند. برخی گروه‌های حقوقی می‌گویند تاکنون ده‌ها نفر از کسانی که از سوریه فرار کرده‌اند، دچار زخم‌های شده‌اند. این زخم‌ها ناشی



عکس: Reuters

روزنامه

جهان

شنبه **۱۶ مرداد ۱۳۹۵** • سال سیزدهم • شماره **۲۶۴۸** • ۹

شرق

زاویه

فرمانداری زنانه در دنیایی مردانه

«معصومه مرادی» درحالی‌که در حلقه مشاوران مرد و فضای مردسالارانه محاصره شده، به‌عنوان تنها فرماندار زن افغانستان، محکم در برابر جنسیت‌گرایی عمیق کشورش ایستاده است. با ایجاد فضای جدیدی در افغانستان، به‌عنوان تنها فرماندار زن این کشور دستیابی مرادی به یکی از بالاترین پست‌های سیاسی در ولایت «دایکندی» گامی بزرگ در افغانستان محسوب می‌شود؛ جایی که سنت‌های سفت‌وسخت به‌شدت با ایده‌های ترقی‌خواهانه دربارۀ جایگاه زنان در جهان مخالف هستند. اما تقریباً یک سال پس از آنکه اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان، مرادی را به این سمت منصوب کرد، شغل او با افزایش روزافزون درخواست‌های محافظه‌کاران مذهبی و رقیبانش مبنی‌بر برکناری او، به ریسمانی بند شباهت دارد. مرادی ۳۷ساله درحالی‌که در دفتر کارش در نیلی، مرکز ولایت دایکندی، نشسته است، می‌گوید: مردم ادعای روشن‌فکری می‌کنند، امنا بسیاری از آنها حتی نمی‌توانند وجود یک زن را در این سمت تحمل کنند. او ادامه می‌دهد: اجازه نخواهم داد که مردها ساکتم کنند و جامعه به چنین واکنشی از سوی زنان ندارد. این بانوی کوتاقت‌گامت افغان با چهره آرام و رفتاری آرام‌تر، غریزۀ آمین‌جبری برای حیات از خود نشان می‌دهد. مرادی به‌عنوان مادر دو فرزند، سال گذشته از سوی غنی برای ریاست در دایکندی پیش از رسیدن به دایکندی آغاز شد درحالی‌که رقبای مرد سیاسی او مکرراً به فقدان تجربه فرمانداری او اشاره می‌کردند. مرادی از آن زمان توانسته در این سمت باقی بماند، اما نیشش و عذاب این تحمل زمانی نمایان شد که هنگام خروج از دفترش در نیلی، گروهی از مردان مسلح او را تعقیب کردند. درحالی‌که از خیابان می‌گذرد و

از شلیک نگهبانان مرزی بوده است که می‌خواستند تعداد کمتری پناه‌جو وارد کشورشان شود. یک مسئول ریاست‌جمهوری ترکیه اما با رد این دعآوی می‌گوید اینها تهمت است و هنوز کسی درباره صحت آنها تحقیق نکرده است. پشار می‌گوید تصمیم دارد نیمی از مزدش را برای خانواده بفرستد؛ یعنی برای پدر، مادر، دو خواهر و دو برادرش و اضافه می‌کند: «آنها در حلب نمی‌توانند کار کنند، چون مجبور شده‌اند مغازه‌شان را ببندند.»

پوشاک ارزان

یک دختربچه می‌گوید روی کفش‌هایی که در کارخانه محل کار آنها تولید می‌شود، برجسب‌جای «دی‌فانتو» می‌زنند. این دومین شرکت تولید پوشاک در ترکیه است و محصولاتش را به ۱۱ کشور از جمله قزاقستان، عراق و روسیه صادر می‌کند. اما آنها می‌گویند نمی‌دانند نام شرکتی که در آن کار می‌کنند، چیست. شرکت فاکتو می‌گوید استخدام پناه‌جویان به‌عنوان یک منبع کار غیرقانونی بوده و اصلاً پذیرفتنی نیست. این شرکت می‌افزاید وقتی متوجه شد کارگرانی غیررسمی در بخش‌هایی از تولید کار می‌کنند، به تولیدکنندگان فرصت داد استخدام آنها را متوقف کنند. اگر این مسئله مربوط به کودکان باشد، شرکت رابطه خودش را با آنها قوی قطع خواهد کرد. تعدادی شرکت چندملیتی دیگر گفتند حضور کودکان سوری به دلیل مقاطعه‌کارانشان است. شرکت‌های «اسپری» و«نکست» و «اچ‌اندام» در تحقیقی گفته‌اند سال‌هاست کودکان سوری در تولید لباس کار می‌کنند، اما قرار شده این وضعیت اصلاح شود. برخی شرکت‌های دیگر نیز یادآور شده‌اند که تلاش می‌کنند کاری کنند که بچه‌ها بتوانند در کنار کار، درس هم بخوانند تا به‌رحال حقوق خانواده‌شان قطع نشود. دو شرکت «نکست» و «اچ‌اندام» گفتند از آن زمان تا به حال، دیگر فردی سوری را در زنجیره تولید خود ندیده‌اند. اسپری می‌گوید در دوره‌های اخیر تعدادی سوری بالغ را دیده است، اما در کارگاه‌ها بجای مشاهد نکرده است.

بااین‌حال، شبکه پیچیده و درونی مقاطعه‌کاران یکی از عواملی است که اجازه نمی‌دهد کودکان پناهنده‌ای در تولید پوشاک کار می‌کنند، شناسایی شوند. شرکت‌های غربی را که برنده‌های تجاری پراوازه‌ای هستند و از تکنولوژی بارکد استفاده می‌کنند، می‌شود به‌سادگی بازرسی کرد، اما این مسئله همه جا جواب نمی‌دهد. مدیران صنایع کوچک و صاحبان پروژه‌های محلی می‌گویند در بسیاری از مواقع بازرسان طبق قراردادی که دارند از محل‌هایی بازدید می‌کنند و بنابراین مخفی‌کردن کودکان در زمان آمدن آنها کار ساده‌ای است. همچنین کارگاه‌هایی وجود دارد که گاه در مناطق درگیری قرار دارند. این مسئله به‌ویژه در بخش زیادی از جنوب شرق کشور که دارای اکثریت کردهاست، بیشتر دیده شده است. از زمان نقض آتش‌بس در تابستان ۲۰۱۵ بین دولت ترکیه و کردها، بی‌ثباتی در این مناطق بیشتر شده است. همین مسئله موجب کشته‌شدن صدها نفرشهروند عادی و اعمال حالت فوق‌العاده در برخی از مناطق به صورت شبانه‌روزی شده است.

کارگاه‌های تولید لباس متعددی در شهرهای مرزی جنوب یافت می‌شود که در آنها بسیاری از پناه‌جویان سوری کار می‌کنند. اما حوادث خشونت‌بار اخیر از جمله سقوط موشک‌هایی که داشش به سمت این مناطق پرتاب می‌کند، همه‌چیز را به بره‌ریخته است. شهر «بتمان» واقع در جنوب شرق ترکیه در منشوری که سال ۲۰۱۴ صادر کرد، به این افتخار کرد که «ارزان‌تر از چین» کالا تولید می‌کند. شرکت اسپری می‌گوید یکی از مشتریانش پیشنهاد داد بخشی از تولید این شرکت را به جنوب شرق کشور منتقل کند، اما به دلیل «خطر انتقال به منطقه‌ای بی‌ثبات» از این کار صرف‌نظر کردیم. فعالان می‌گویند درگیری‌ها موجب سخت‌ترشدن تولید در جنوب و جنوب شرق ترکیه شده است.

مدرسه بی مدرسه

خانواده عوال، در محله صنعتی «زیتین بورنو» زندگی و کار می‌کنند. در آنجا آپارتمان‌های چندمنظوره‌ای وجود دارد. طبقات پایین این ساختمان‌ها مملو از کارگاه‌های صنعتی تولید پوشاک است. در همان طبقه پایینی که کارگاه عوال قرار دارد، منا کمک می‌کند پارچه‌ها بین خیاطان توزیع شود. برادرش محمد پشت چرخ خیاطی کار می‌کند. محمود عوال می‌گوید کودکانش روزانه ۱۱ ساعت کار می‌کنند، ولی به آنها مزدی نمی‌دهد. عوال می‌گوید وقتی سال ۲۰۱۳ به ترکیه رسید، گرفت حمایت موقت را دریافت کرد. در ابتدا کارهایی را از یک مرد ترک خرید می‌کرد و سعی کرد بچه‌هایش را به مدرسه هم بفرستد؛ اما نتوانست. چون بزرگ‌های لازم برای اثبات محل اقامت خانواده نداشت. مدرسه از عوال خواسته بود یک مقام محلی پیدا کند که او را ضمانت کند، اما او نتوانست کسی را پیدا کند تا چنین مأموریتی را برایش انجام دهد. بعدد یک صاحبکار ترک او را فریب داد. فرزندش محمد که ۱۳ سال داشت، در کارگاه دیگری با دریافت ۶۰ دلار در هفته شروع به کار کرد. اما صاحبکار به پسرش نصف این مزد را بادم تشکیل می‌دهند و همین هم به تغییرات ظالمانه آب‌وهوایی وابسته است. دراین‌میان بی‌کاری بی‌حدوحصر در این منطقه مانند بمبی ساعتی است و برنام‌های توسعه تاکنون تنها روی کاغذ وجود داشته‌اند.

باشد، درآمد عوال و فرزندانش به حدود ۸۰۰ دلار در ماه می‌رسد.

منبع:رویتز عربی

شرق

نگاه

قماری خطرناک برای ماندن در قدرت

سیاوش رزمند

۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵ و هم‌اکنون در روزهای پایانی جولای ۲۰۱۶، ما تنها تاریخ اعتراضات خیابانی مهم ارمنستان در قرن جوان کنونی را در یکی از باستانی‌ترین تمدن‌ها و اولین دولت مسیحی جهان پشت هم دیده‌ایم. بحران گروگان‌گیری دو هفته اخیر در ایران از آن دست اتفاقاتی نیست که برای مردم این کشور در قفقاز جنوبی عجیب به نظر برسد، آن‌هم وقتی که در کشور همسایه در شب گذشته کودتایی رخ داده باشد که خواه حقیقی، خواه جعلی، دست‌مایه‌ای برای بسازی‌های اردوغان از مخالفانش بوده باشد. ارمنی‌ها بیش از تمام همسایگان خود تمرین خیابانی برای تغییر در کشوری با معیارهای جهانی نیمه‌آزاد را کرده‌اند. به یاد داشته باشیم که در هیچ‌یک از کشورهای مستقل جنوب قفقاز و جمهوری‌های فدراتیو شمال قفقاز در دل روسیه همسایه ارمنستان؛ یعنی کشور محافظه‌کار گرجستان که به سرنگونی شورادنازده و بعد‌ها پابین کشیده‌شدن دولت غرب‌گرای ساکاشویلی و «جنبش ملی متحد»اش منجر شد، هیچ‌یک به اندازه ارمنستان از آزادی تجمعات یا فعالیت احزاب یا سازمان‌های خصوصی برخوردار نیستند. تغییرات سال گذشته در قانون اساسی از طریق فراندومی که بنا بر تغییر سیستم اجرایی کشور از ریاستی به پارلمانی داشت، در اصل بازی «سبز سرکسیسان» برای مدل امتحان شده‌ای است که پوتین و اردوغان به‌نوبه خود با موفقیت اجرایش کردند. درحالی‌که همین متحد برای ساکاشویلی مدرس درست کرد و به‌جای اینکه از کاخ ریاست‌جمهوری به صندلی صدارت تکیه بزند، برای مدتی آواره شد تا به فرمانداری «اودسا» در اوکراین پس از انقلاب «یورومیدان» برسد. بیاییم کمی به عقب‌تر بازگردیم؛ به ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ و چند نام را مرور کنیم: «واژنک سارکسیان»، «کارن دمیرچیان»، «لئونارد پطروسکیان»، «یوری بخشکیان»، «روبن میرویان»، «میخایل کوتابیان»، «ارمناک آرمناکیان» و «هنریک آبراهامیان». این هشت نام متعلق به هشت شهروند عادی نبوده است و این اسامی یعنی تاریخ کشتار پارلمان ارمنستان. نخست‌وزیر، رئیس پارلمان و دو نایب و به‌همراه وزیر امور اضطراری و سه نماینده به خون کشیده شدند تا نام «روبرت کوچاریان»، رئیس‌جمهور وقت و وارثش «سبزر سرکسیان» که امروز حاکم بر امور ارمنستان است، در زمره مظنونان اصلی برای یک تسویه‌حساب با هموارسازی جاده برای گروهی باشد که ارمنی‌ها آن را «دسته قره‌باغی» می‌خوانند که هر دو پیش از ارمنستان ریاست‌جمهوری کوهستانی قره‌باغ یا به اختصار «آرتساخ» را داشته‌اند.

از همین منظر است که به نام «ژیرای سفیلیان» می‌رسیم و امکان یافتن پاسخی برای مسئله سیاست ارمنی را پیش‌روی خود می‌بینیم. او متولد لبنان است که در جریان جنگ قره‌باغ و به‌ویژه غلبه نیروهای ارمنی بر ارتش آذربایجان در «وشوشا» که پس از فتح به «شوشی» تبدیل شد، مدبل به قهرمانی ملی و فرماندهی نظامی شد. او پس از جنگ رخت سیاست بر تن کرد و عملاً بر تغییر رژیم سیاسی ارمنستان متمرکز شد که از دید او در حال معامله با آذری‌ها بر سر استقلال جمهوری خودخوانده قره‌باغ است. امروز او مخالف شماره یک دولت است که به بند کشیده شده، همان‌طور که «واژنک سارکسیان» نخست‌وزیری که در پارلمان به گلوله بسته شد، قهرمان جنگ قره‌باغ بود و پس از به ریاست‌رساندن کوچاریان، با آخرین دبیر حزب کمونیست ارمنستان و ریاست وقت پارلمان دمیرچیان انتقالی را سامان داده بود برای کسب قدرت در پازل هزارتکه مجادلات سیاسی ارمنستان رسته از جنگ و مصائب اقتصادی مولود فروپاشی اتحاد شوروی. مسئله قره‌باغ قطعاً بیش از آنچه در کشور همسایه، یعنی آذربایجان دست‌مایه امنیت داخلی یا سیاست‌های هیات حاکمه می‌شود، موجب جهت‌دهی سیاسی- اجتماعی در ارمنستان شده و در آینده نیز بی‌شک نقشی اساسی ایفا خواهد کرد. ارمنستان امروز با تمامی مشکلات اقتصادی و سیاسی‌اش یکی از قهرمانان باسزاری اقتصاد خود و خصوصی‌سازی با غلبه بر تورم به‌همراه حرکتی رو به جلو در میان بیشتر جمهوری‌های پیشین شوروی یا ذکر این نکته است که ارمنستان کشوری محصور به خشکی و تحت تحریم‌های اقتصادی ترکیه و آذربایجان است. شهروندان ارمنی بیش از دیگر کشورهای قفقاز تمرین تغییر کرده‌اند و تمامی مسائل سیاسی، سفار اداری و مالیات انرژی را از طریق حرکت‌های اعتراضی و جمعی به دولت خود نشان داده‌اند که فارغ از نتیجه به‌دست‌آمده، نشان از حرکتی پویا و نادر در میان جماهیر پیشین شوروی مانند: ازبکستان، تاجیکستان، آذربایجان، بلاروس و قزاقستان دارد که حکمرانانی مادام‌العمر یا تکیه بر منابع غنی ملی، کشورهای خود را در شرایطی قرون‌وسطایی با نظر بداند تشکیل می‌دهند و همین هم به دایکندی در بین ولایاتی قرار می‌گیرد که فرمانداری در آن چالش‌های متعددی دارد. دایکندی چندین ماه در سال به دلیل بارش برف از ولایات دیگر افغانستان جدا می‌شود. درحالی‌که اقتصاد محلی آن در درختان کم‌جان بادام تشکیل می‌دهند و مردم به تغییرات ظالمانه آب‌وهوایی وابسته است. دراین‌میان بی‌کاری بی‌حدوحصر در این منطقه مانند بمبی ساعتی است و برنام‌های توسعه تاکنون تنها روی کاغذ وجود داشته‌اند.

منبع:ایسنا

بااین‌حال، ترکیه برای جذب این تعداد از پناه‌جو با مشکلات دیگری مواجه است؛ زیرا فقط ۱۰ درصد آنها در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند. در ماه می، وزارت آموزش‌وپرورش ترکیه گفت حدود ۶۶۵ هزار کودک سوری در ترکیه زندگی می‌کنند که غالباً در سن تحصیلی بوده اما به مدرسه نمی‌روند. شورای مدیریت حوادث غیرمتقربه ترکیه می‌گوید کمتر از ۱۵ درصد از کودکان بین شش تا ۱۱ساله که در خارج از اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند، خود را مقید به رفتن مدرسه می‌دانند. هیچ‌کس نمی‌تواند تعداد کسانی را که به جای تحصیل، کار می‌کنند، تخمین بزند. طبق تحقیقی که گروه خیریه حمایت از زندگی از ۱۲۵ خانواده سوری مقیم استانبول تهیه کرده بود، از هر چهار خانواده فرزندان، یکی گفته بود دست‌کم یکی از بچه‌هایش به مدرسه نمی‌رود؛ زیرا خانواده به دستمزد او نیازمند است.

نیمی از این کودکان در بخش صنایع نساجی ترکیه مشغول به کار هستند. «استفغانی جی»، پژوهشگر عفو بین‌الملل، می‌گوید اروپا مشکل حمایت از کودکان را نادیده می‌گیرد و «تا زمانی‌که ترکیه نتواند تضمین بدهد کودکان به مدرسه بروند، به اعتقاد من همه این حمایت‌ها فقط ظاهری است». یک منبع می‌کند که غالباً در سن تحصیلی بوده اما به مدرسه نمی‌روند. شورای مدیریت حوادث غیرمتقربه ترکیه می‌گوید کمتر از ۱۵ درصد از کودکان کارگاه‌های شلیک نکرده‌اند. حتی روشنی به پدیده خطرناک کودکان کار اشاره کرده و ترکیه را تغیب کرده است جلوی این روند گرفته شده». اروپا ده‌ها میلیون دلار برای فرستادن بچه‌های